

آخوند ملاعلی معصومی همدانی

ابوالفتح مومن

یار و همراز امام بود و همراه با او افتخار شاگردی حاج شیخ عبدالکریم را داشت. در سالهای مدرسه هم مباحثه و در سالهای اجتهاد همراه و هماهنگ با امام، حضور مردمی و باشکوهی در عرصه سیاست و دیانت داشت. آری مرحوم آخوند حاج ملاعلی همدانی از اعظم فقها و مجتهدین عصر بود و در رتبه علمی و اجتهادی و منزلت سیاسی اجتماعی در غرب ایران محوریت داشت. پیغامها و مکالمات حضرت امام خمینی (ره) با ایشان به ویژه از قیام پانزدهم خرداد به بعد، نشان از جایگاه پراهمیت او در تاریخ سیاسی روحانیت معاصر دارد. هنگامی که بر اثر بیماری در اول مرداد ماه سال ۱۳۵۷ به ملکوت اعلی پیوست، مراسم تشییع و بزرگداشت و ترحیم وی در همدان، تهران، مشهد، تبریز و قم و سایر شهرها زمینه و بهانه‌ای برای حضور یکپارچه مردم در صحنه انقلاب گشت و برای اولین بار فریادهای درود بر خمینی و مرگ بر شاه در فضای سیاسی کشور ساری و جاری شد. باهم زندگانی و روزگار و مجاهدات آن عالم ربانی را مرور می‌کنیم.



مقدمه

چنانچه در چند قرن اخیر به گزارش تاریخ و به گفته بیشتر محققین داخلی و خارجی، سه انقلاب بزرگ را به چشم خود دیده است. این سه انقلاب که امواج آنها به فراسوی مرزهایشان نیز کشیده شد و منشاء تحولات و جنبشهای بسیاری در سایر جوامع گردیدند عبارتند از: انقلاب کبیر فرانسه، انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ روسیه و انقلاب اسلامی ایران. یکی از ویژگیهایی که انقلاب اسلامی را از دو انقلاب پیشین متمایز می‌کند، تکیه آن بر مذهب می‌باشد. انقلاب ایران در مرحله‌ای از پیشرفت تکنولوژی رخ داد که انسان را در برابر مسائل و دشواریهای بسیار پیچیده‌ای قرار داده بود.

بر هیچ کس پوشیده نیست که مذهب مشخصه اصلی انقلاب اسلامی ایران به شمار می‌رود و این موضوع نیز در جای خود نمی‌تواند از نقش روحانیت در تاریخ و جامعه ایران جدا در نظر گرفته شود. حضور عالمان دینی در جایگاه رهبری جنبشهای ضد استبدادی و استثمار سده‌های گذشته ایران و برخوردهای مکرر ایشان با استعمار، فتوای علما در برابر حمله روسها به ایران، فتوای تحریم تنباکو علیه منافع انگلیس، جنبش مشروطه، قیام پانزده خرداد و انقلاب اسلامی همگی نشانه‌هایی از سابقه نفوذ و اقتدار روحانیت در جامعه ایرانی است. این نفوذ معنوی روحانیت به عنوان یکی از عوامل عمده و موثر در تمام مراحل انقلاب اسلامی نیز قابل مشاهده است.

بی تردید یکی از دلایل اصلی نفوذ روحانیت در کشورمان، عدم تبعیت از حکومت و استقلال این قشر بوده است. روحانیون و علما در طول تاریخ این سرزمین به هیچ وجه منصوب مراکز رسمی قدرت نبودند و تنها مردم آنها را برگزیده و مخارجشان را تأمین می‌کردند. با پرداخت وجوهات شرعی به روحانیون که مفهومش به رسمیت نشناختن حکومت بود روحانیون پیوند ریشه داری با مردم می‌یافتند و در ورای وابستگی‌ها و تعلقات رسمی به

حرکت درآمده و به قطبی دربرابر قدرت سیاسی حاکم تبدیل می‌شدند. بر همین اساس بود که روحانیون ایران از واعظ و طلبه گرفته تا مراجع عظام، همگی نقش موثر و تعیین کننده‌ای در پیروزی انقلاب اسلامی ایفا کردند. همچنین با توجه به رهبری قاطع و یگانه امام خمینی، این عامل تأثیرگذاری ویژه‌ای یافت و شبکه وسیعی از روحانیون از پایتخت تا دور افتاده‌ترین روستاهای ایران نقش آگاهی بخشی و اطلاع رسانی انقلاب را به عهده گرفتند. گروهی از روحانیون و به ویژه مراجع عظام در زمان حیاتشان به عامل حرکت بخش و الهام دهنده انقلابیون در مبارزه رژیم پهلوی تبدیل شدند و پیشاپیش انقلابیون در مبارزه حاضر بودند. مدنی، بهشتی، مطهری و مفتاح را می‌توان جزء همین دسته دانست که هر کدام رسالتی خاص را در انقلاب اسلامی عهدها برداشتند. گروهی دیگر از روحانیون و آیات عظام علاوه بر فعالیت علیه رژیم پهلوی و تربیت مبارزین در سنگر درس و مکتبه با رحلت یا شهادتشان به عامل شتاب دهنده انقلاب اسلامی و مبنای ایجاد مرحله جدیدی از مبارزه تبدیل شدند که از آن جمله می‌توان شهید آیت الله مصطفی خمینی و مرحوم آخوند ملاعلی همدانی را نام برد.

بر همین اساس در این گفتار قصد داریم با بیان زندگینامه علمی و سیاسی آیت الله آخوند ملاعلی همدانی به پیامدها و تأثیرات رحلت ایشان بر مبارزات انقلابی مردم ایران و به ویژه شهر همدان پرداخته و گوشه‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی را مورد بازخوانی و کاوش قرار دهیم.

الف) از ولادت تا اجتهاد

مرحوم آخوند ملاعلی همدانی در سال ۱۳۱۲.ق در روستای وفس از بخش سردرود استان همدان زاده شد. پدر وی محمد ابراهیم نیز همانند دیگر مردمان روستا به کار زراعت و کشاورزی اشتغال داشت.^۱ علی دوران کودکی و اوایل عمر را در زادگاه خویش به فراگرفتن مبادی علوم اسلامی پرداخت. سپس برای ادامه تحصیل به همدان آمد و به مدت پنج سال از محضر بزرگان و اسانیدی چون عالم عارف شیخ عمادالدین علی گتیدی کسب فیض نمود.^۲ او با وجود فقر شدید و تحمل مشقات بسیار توانست علوم ادبی، صرف و نحو، منطق، معانی بیان و فقه را در همدان فراگرفته و سپس جهت کسب دانش از محضر اساتید مبارز راهی تهران شود. وی در آنجا از حلقه درس آقا میرزا محمود و آخوند ملاعلی عبدالنبی نوری استفاده برد^۳ و قسمتی از فقه و اصول را در محضر آیت الله حاج شیخ محمد رضا تنکابنی فراگرفت. در طول اقامت پنج ساله در تهران او به تحصیل علم کلام، فلسفه علوم ریاضی و هیات نیز اهتمام داشت. آخوند ملاعلی همدانی در سال ۱۳۴۰.ق جهت تکمیل تحصیلات حوزوی رهسپار قم گردید و به مدت پانزده سال در حوزه علمیه این شهر نزد اساتید مشهوری همچون حاجی آخوند هیدجی و حاج شیخ عبدالکریم حائری به تکمیل معلومات خویش پرداخت.^۴ او در این سالها در فقه و اصول، منطق، بیان، فلسفه و زبان عربی ذخایر گرانبهایی اندوخت و تا آنجا پیش رفت که جزء شاگردان ممتاز مرحوم شیخ عبدالکریم حائری گردید، به نحوی که آن مرحوم به خاطر حافظه قوی آخوند به او لقب کتابخانه سیار داده بود.^۵ از



تقریب اول از سمت راست آیت الله معصومی همدانی

گروهی از روحانیون علاوه بر فعالیت علیه رژیم پهلوی و تربیت مبارزین در سنگر درس و مکتب، با رحلت یا شهادتشان به عامل شتاب دهنده انقلاب اسلامی و مبنای ایجاد مرحله جدیدی از مبارزه تبدیل شدند که از آن جمله می توان شهید آیت الله مصطفی خمینی و مرحوم آخوند ملاعلی همدانی را نام برد.

نکات جالب توجه در خصوص سالهای اقامت آخوند ملاعلی همدانی در قم می توان به هم دوره و هم مباحثه بودن وی با امام خمینی (ره) اشاره کرد. آخوند در قم مجلس درس پر رونقی داشت که قسمت عمده آنرا تدریس سطح در برمی گرفت.^۶

در سال ۱۳۱۵ ش وی بنا به درخواست مردم همدان و سفارش مرحوم حاج شیخ عبدالکریم حائری به همدان آمد و در «مدرسه کوچک» همدان که بعد به «مدرسه آخوند» معروف گردید مشغول تدریس شد. آخوند ملاعلی از آن ایام تا خاتمه دوران حیات خویش سرپرستی حوزه علمیه همدان را عهده دار^۷ و به عنوان یکی از مجتهدین بزرگ غرب کشور مطرح بود. پس از سقوط حکومت رضا شاه در شهریور ۱۳۲۰ ش وی مدرسه محمد حسین ابن احمد مختارانی، متخلص به مجرم همدانی را که به صورت مخروبه درآمد بود تعمیر کرد و^۸ کتابخانه مجهز و بزرگی که اکنون به کتابخانه «آخوند» یا «غرب» معروف است با پانزده هزار جلد کتاب نفیس و خطی جهت استفاده طلاب و دانش پژوهان دائر نمود.^۹

مرحوم آخوند که در دوران حیات خود فعالیتهای اجتماعی، مذهبی و سیاسی برجسته‌ای داشته در زمینه تربیت طلاب و جویندگان علم نیز از کارنامه درخشانی برخوردار بود. از برجسته‌ترین شاگردان وی می‌توان به آیت الله طالقانی و شهید مفتاح اشاره کرد.^{۱۰} وی علاوه بر تدریس و اداره حوزه علمیه از ذوق شاعری نیز بهره‌مند بود و اشعاری با تخلص «فنا» می‌سرود. در زمینه فعالیتهای اجتماعی و مذهبی نیز می‌توان به کمک و اختصاص وجوهات دینی از طرف وی به زلزله زدگان در سال ۱۳۲۶ ش اشاره کرد. آیت الله آخوند همچنین در سال ۱۳۴۲ ش طی اعلامیه‌ای از مردم همدان خواست که به ساخت ضریح مرقد حضرت ابوالفضل (ع) کمک نمایند. ایشان علاوه بر اختصاص مبلغ قابل توجهی

به این امر هنگام انتقال ضریح مذکور به عتبات عالیات از مسیر همدان تا سی کیلومتری این شهر در معیت مردم به استقبال ضریح رفت.^{۱۱}

با شروع نهضت اسلامی مردم ایران به رهبری امام خمینی (ره)، آیت الله آخوند همدانی نیز همراه با امام و مردم وارد صحنه مبارزات گردید. رابطه وی با امام علاوه بر این دوره، ریشه در سالهای تحصیل و طلبه‌گی داشت که بعد از آن نیز به طور دائم این دو بزرگوار با یکدیگر در ارتباط بودند.

به عنوان مثال آخوند ملاعلی همدانی در جریان تصویب لایحه انجمنهای ایالتی و ولایتی ضمن مخالفت با لایحه مذکور و تلاش جهت تهیه اعلامیه روحانیون همدان علیه آن، به طور مستمر با امام نیز در تماس بود.^{۱۲} عقیقی بخشایشی در این باره می‌گوید: «وقتی که در سال ۱۳۴۱ ش از همدان به قم می‌رفتم آیت الله آخوند به بنده فرمودند: به آقایان (مراجع) تک تک نیابت دارید از قول من سلام برسانید، ولی وقتی خدمت حاج آقا روح الله رسیدید از قول من بعد از سلام یک جمله ای برسانید. گفتم آن چیست؟ فرمودند: به حاج آقا بگویید آخوند سلام رساند و گفت: ابوذر

یک کمی آرام، آرامتر. وقتی خدمت امام رسیدم و قضایا را گفتم، ایشان تبسمی کردند و فرمودند: وقتی خدمت آقای آخوند رسیدید از قول من سلام برسانید ضمناً بگویید سلمان یک کمی حرکت.»^{۱۳} رابطه آیت الله آخوند با امام به حدی بود که در سال ۱۳۴۲ وقتی عوامل رژیم پهلوی به منزل امام (ره) هجوم بردند، ایشان کتاب اربعین خود را برای محفوظ ماندن از یورش مامورین به آخوند ملاعلی همدانی سپردند.^{۱۴} متعاقب حمله مامورین ساواک به مدرسه فیضیه قم در سال ۱۳۴۲ آیت الله آخوند به اتفاق سایر روحانیون همدان تلگرافی مبنی بر محکومیت رژیم به محضر مراجع عظام و امام (ره) مخابره کردند.^{۱۵} همچنین در زمان مسافرت محمدرضا شاه به همدان در خرداد همان سال، آخوند ضمن

تحریم هرگونه استقبال از شاه خود نیز از منزل خارج نشد. ساواک در روزهای ۱۶ و ۱۷ خرداد ماه، تیمسار قلعه بیگی را به همدان اعزام نمود تا شاید تحت فشار و سیاستهای وی آیت الله آخوند از شاه استقبال و با او ملاقات کند. در مقابل آخوند نه تنها درخواستهای ساواک را نپذیرفت بلکه پیغام تندتی برای شاه فرستاد. حجت الاسلام سید فاضل حسینی در این باره می‌گوید: «آیت الله آخوند به تیمسار قلعه بیگی فرمود: از طرف من به شاه بگویید: آقا جان دیدی پدرت با امام حسین درافتاد چه شد. روزه را تعطیل کرد، عزاداری قدغن شد، عمامه‌ها را برداشت. حاج آقا روح الله فرزند امام حسین است با ایشان درگیر نشو خیر نمی‌بینی.»^{۱۶}

به دنبال دستگیری و زندانی شدن امام (ره) توسط مامورین رژیم در سال ۱۳۴۲ آخوند ملاعلی همدانی به همراه آیت الله بنی صدر جهت همکاری و هماهنگی با روحانیون کشور برای رهایی امام (ره) به تهران مهاجرت نمود. ایشان ضمن شرکت در جلسات روحانیون تهران اعلامیه‌های صادره از سوی آنان را امضاء کرد اما پس از چندی ساواک با زور و تهدید وی را به همدان بازگرداند.^{۱۷}

در تمام مدتی که امام خمینی در تبعید ترکیه و عراق به سر می‌برد، آیت الله آخوند همدانی ضمن تلاوم تماس با ایشان از طریق ژانرین، به وسیله تلگراف نیز از اوضاع و پیامهای امام مطلع می‌شد.^{۱۸}

شاه در سال ۱۳۴۵ ش برای جلب نظر مردم و تظاهر به دینداری اقدام به چاپ قرآن پهلوی یا آریامهری نمود و سعی کرد از طریق شهربانی قرآن مذکور را برای تمام روحانیون طراز اول ایران ارسال کند. آیت الله آخوند همچون بسیاری از علمای کشور از تحویل آن خودداری کرده از آنجایی که از سوی محمدرضا قوام فرماندار وقت همدان در این خصوص تحت فشار بود به عنوان اعتراض به مشهد مهاجرت و در منزل آیت الله میلانی اقامت گزید.^{۱۹}



**مرحوم آخوند ملاعلی
معصومی همدانی که در دوران
حیات خود فعالیت‌های اجتماعی،
مذهبی و سیاسی برجسته‌ای
داشت، در زمینه تربیت طلاب و
جویندگان علم نیز از کارنامه
درخشانی برخوردار بود. از
برجسته‌ترین شاگردان وی
می‌توان به آیت الله طالقانی و
شهید مفتاح اشاره کرد.**



ب) رحلت آیت الله آخوند و انعکاس آن در کشور
آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی که در همدان و غرب کشور از محبوبیت ویژه‌ای برخوردار بود در شانزدهم تیرماه ۱۳۵۷ جهت معالجه کلیه به لندن مسافرت نمود^{۲۰} اما بعد از مدتی در اول مرداد ماه وفات یافت و پیکر مطهرش به ایران و سپس همدان منتقل شد. در تهران و همچنین مسیر انتقال پیکر آن مرحوم به همدان از جنازه وی تشییع باشکوه و عظیمی به عمل آمد. غلامعلی سماواتی که از جمله تشییع کنندگان بوده است در این باره می‌گوید: «جنازه آیت الله آخوند را وقتی به تهران آوردند، از فرودگاه مهرآباد تا میدان آزادی با ماشین تشییع شد و از آنجا به صورت کاروان به سوی همدان حرکت کردند که رهبری کاروان و مراسم با شهید مفتاح بود. در بین راه نیز از سوی مردم استقبال بی نظیری به عمل آمد و نرسیده به همدان به دهی که مسقط راس ایشان بود رفتیم و پیکر وی در آنجا تشییع شد و در همان روستا به برادر ایشان تسلیت گفتیم و راهی همدان شدیم. پیکر آیت الله آخوند در میان شیون و عزاداری مردم به مسجد جامع همدان منتقل شد تا فردا تشییع شود.»^{۲۱}
شب قبل از مراسم تشییع پیکر مرحوم آخوند، حجت الاسلام هادی غفاری در مسجد جامع منبر رفت و سخنرانی تند و کوبنده‌ای علیه رژیم ایراد نمود تا جایی که از بیم حمله مامورین شهربانی به هادی غفاری مردم چراغها را خاموش کردند. بدین وسیله غفاری از فرصت استفاده نموده و از مسجد خارج شد و مردم نیز در حالیکه علیه رژیم پهلوی شعار می‌دادند متفرق گردیدند. آقای دادفرما در این مورد می‌گوید: «هادی غفاری در مسجد جامع واقعا قیامت کرد تا جایی که عده‌ای از ترس از مجلس خارج شدند. چون اینگونه سخنرانی تند در همدان سابقه نداشت واقعا خیلی

مردم را تکان داد. ایشان در سخنرانی خود به صراحت به دربار و شاه حمله می‌کرد.»^{۲۲}
حجت الاسلام هادی غفاری راجع به چگونگی شرکت در این مجلس و فرار از دست مامورین ساواک می‌گوید: «در تبریز در منزل آیت الله محمدعلی قاضی بودم که اطلاع دادند آیت الله آخوند همدانی به رحمت خدا رفته است. از من دعوت شد که بروم همدان و در آنجا سخنرانی کنم، بنابر همین قصد راهی همدان شدم. غروب آفتاب بود که به همدان وارد شدم، بیرون شهر، بچه‌ها ایستاده بودند و بعد از پارک کردن ماشین، همراه آنان به مسجد رفتیم. از بیرون تا وسط مسجد که جنازه آیت الله آخوند را در آنجا گذاشته بودند، جمعیت زیادی از سراسر کشور جمع شده بودند. به خصوص از قم، زنجان و شهرهای اطراف همدان. من بالای منبر رفتم و از مظلومیت‌های آیت الله آخوند که پسرش حسن به دست ساواک شهید شده بود صحبت کردم و ماجرای آخرین دیدارم را در منزل ایشان شرح دادم و از علاقه وی به حضرت امام صحبت کردم. نگاه وارد بحث زندگی امام شدم و مساله حکومت اسلامی و کشتار مردم تبریز، اهواز، آبادان را توضیح دادم. یکدفعه جمعیت مسجد برای اولین بار در همدان، شعار مرگ بر این حکومت فاشیستی را سر دادند. دیدم چهره مجلس برگشته است و از در و دیوار مجلس بوی خون می‌آید. ساعت تقریبا یازده شب بود و منبر من داشت تمام می‌شد. قرار بر این بود که چراغها خاموش بشود تا بتوانم از میان جمعیت فرار کنم. بعد هم اعلام شد که فردا دو جنازه تشییع خواهد شد. یکی جنازه مرحوم آخوند و دیگر سمبلی از جنازه پسر ایشان که به دست ساواکی‌ها اعدام شده بود. چراغها که خاموش شد، مردم به هم ریختند. وقتی آمدیم دم در، تعدادی از آن جوانها گفتند: آقای غفاری

بفرمائید سوار شوید ما را سوار کردند. شب بود و هوا تاریک، دور و برم را نگاه کردم و دیدم که ظاهرشان به آدمهای حساسی و بچه‌های انقلابی نمی‌خورد فهمیدم که ساواک مرا دستگیر کرده است. وقتی داخل ماشین نشستیم ماموری دستبند را جلو آورد که به دستم بزند. معطل نکردم و یک مشت به صورتش زدم و با لگد درب ماشین را شکستم. هنوز مردم متفرق نشده بودند. فریاد زدم «الله اکبر» مردم به اطرافم ریختند و مرا از دست ساواکیها نجات دادند. مردم ماشین را واژگون کردند و به گمانم آن سه چهار نفر هم کشته شدند چون مردم چنان آنها را می‌زدند که حد نداشت. مرا به منزل دوستی که موتورسازي داشت بردند. شب را آنجا ماندیم، بچه‌ها گفتند: آقای غفاری بهتر است از شهر خارج شوی. گفتم: می‌مانم تا تشییع جنازه را تماشا کنم. گفتند: آقا دیشب به سختی شما را از دست ساواکیها نجات دادیم چیزی نمانده بود به قیمت جانان تمام شود. گفتم: با وجود این می‌خواهم بمانم. بالاخره بچه‌ها نگذاشتند در مراسم شرکت کنم، اما از یک بلندی مشرف به قیرستان که جاده‌ای هم از آن محل می‌گذشت از داخل ماشین آن تشییع باشکوه را نظاره کردم.

دو تابوت بر روی دست مشایعین مشاهده می‌شد. روی جلویی به خط درشت نوشته بودند «شهید حسن معصومی»، جنازه به محل دفن نرسیده بود که درگیری شروع شد. آتش نشانی با آب جوش به مردم حمله کرد. جنازه هم از روی دوش مردم به زمین افتاد پلیس تابوت اولی را خرد کرده بود، اما این یکی را دیگر نمی‌توانست کاری بکنند مردم «الله اکبر» می‌گفتند و فریاد می‌زدند: «فریاد وا محمد! برس به داد امنا» پلیس به طرف جمعیت تیراندازی کرد و کشتار شروع شد. این اولین کشتار علنی مردم همان بود. بازار آتش گرفت، مغازه‌ها را خرد کردند، ساواکیها هرچه خواستند بر سر شهر آوردند.^{۳۳}

در این مراسم گروهی از مردم و دانشجویان تبریز، شیراز، قم، کاشان، مشهد، اردبیل، زنجان، کرمانشاه و دیگر شهرهای ایران شرکت داشتند. از سوی مراجع تقلید نیز هیاتی از جانب آیت الله العظمی سید شهاب الدین مرعشی نجفی به سرپرستی آیت الله زاده حاج آقا جواد مرعشی نجفی شرکت داشت و همچنین آیات عظام گلپایگانی، خوانساری و شاهرودی نیز شخصا حضور داشتند.^{۳۴}

در مراسم تشییع جنازه آیت الله آخوند که بزرگترین تظاهرات علنی علیه رژیم در همان تا آن زمان بود، شیشه چند بانک و مشروب فروشی با سنگ و چوب شکسته شد و در جریان تظاهرات دو نفر به اسامی فرج الله پهلوانی شورینی و جمشید شرفختانی به شهادت رسیدند. دو نفر دیگر نیز به نامهای ولی الله ملکی و محمود قادری مجروح و در بیمارستان بستری شدند.^{۳۵}

تظاهرات مردم همانند به حدی شدید بود که حتی مطبوعات و رادیوهای خارجی نیز آنرا منعکس نمودند. رویتر در این باره گزارش داد: «هنگامی که پلیس سعی می‌کرد از به آتش کشیدن یک منطقه ممنوعه به وسیله گروهی از مردم جلوگیری کند شازنده نفر مجروح شدند منابع مذکور گفتند که هنگام وقوع این حادثه صدای تیراندازی شنیده شده است. حادثه هنگامی آغاز شد که جمعی از مردم قصد داشتند در مراسم عزاداری یک رهبر مذهبی به نام آیت الله

ملاعلی آخوند همدانی را شرکت کنند.»^{۳۶}

روزنامه لیبراسیون چاپ پاریس در مقاله‌ای تحت عنوان کشته شدن ۱۵ نفر در ایران نوشت: «به مناسبت مراسم تدفین یک مقام روحانی، صد هزار نفر گرد هم آمدند و شعارهای ضد رژیم بر زبان آوردند. تظاهرکنندگان به کلانتری‌ها حمله کرده و شیشه‌های برخی از مغازه‌ها و اقامتگاه‌ها را شکستند. در این وقایع ۱۵ نفر کشته شدند.»^{۳۷}

کامل‌ترین اطلاعات از این وقایع گزارش شهرانی همانند به اداره ضد اطلاعات مرکز است که در آن تحت عنوان گزارش وقایع ۴ تیرماه ۱۳۵۷ و تشییع پیکر آیت الله آخوند، چنین آمده است: «در تشییع جنازه آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی بیش از پنجاه هزار نفر از روحانیون و طلاب تهران، تبریز، قم، مشهد و سایر شهرها و دانشجویان دانشگاههای مختلف کشور خصوصا تبریز و تهران و طبقات مختلف مردم و روستائیان شرکت داشتند. چون تاریخ فوت آیت الله و حمل جنازه آن مرحوم از لندن به ایران و دفن آن به مدت شش روز به طول انجامید، لذا گروههای مختلفی از عوامل مخرب و خرابکار با طرح قبلی و تدارک لازم از نقاط مختلف کشور به همدان وارد و در روز تشییع جنازه قریب ده هزار نفر از جوانان ناشناس که بیشتر دانشجوی، طلبه و روستایی به نظر می‌رسیدند از داخل انبوه جمعیت در مواقع مقتضی با سنگ و چوب و میله‌های آهنی ضمن دادن شعارهای مضره علیه خاندان جلیله سلطنت که عبارت بود از: مرگ بر مقام ۶۶ (اسم رمزشاه) و حکومت پهلوی، خمینی کجائی که مقام ۶۶ (اسم رمزشاه) فراری شده، رهبر ما خمینی است و به اماکن دولتی حمله و آنها را تخریب کردند. شش نفر از محرکین اصلی برابر گزارش مامورین به شرح ذیل می‌باشند: حسن ترکمن فرزند علی ۲۶ ساله راننده اهل ملایر، علی اتاپکی فرزند ابوالفضل ۱۶ ساله اهل همدان، علی برار گلزاده پور سنگلاهی فرزند عزیز الله ۱۸ ساله کشاورز اهل بابل، اسماعیل رحیمی فرزند ابراهیم ۲۲ ساله کارگر اهل تویسرکان و قدرت الله بهادری نژاد فرزند نادعلی ۲۸ ساله شغل کارمند بیمارستان. جمعیت علاوه بر تخریب اماکن دولتی و شعار علیه رژیم با مامورین درگیر شده و تعدادی از آنان را خلع سلاح کردند و به خانه‌های زنان بدنام که در یک کیلومتری قبرستان واقع بود حمله کردند. تلاشهای لازم جهت برقراری نظم انجام شده است.»^{۳۸}

بدین ترتیب در خلال مراسم تشییع جنازه مرحوم آخوند همدانی برای اولین بار در تظاهرات شهر همدان شعار مرگ بر شاه و درود بر خمینی سرداده شد. همچنین تمام مردم اعم از کارگر، کشاورز، روستایی، فرهنگی، بازاری، روحانی و زن و مرد که از تمام نقاط کشور در این تظاهرات شرکت داشتند تلاش کردند مجسمه محمدرضا شاه را سرنگون کنند که مامورین شهرانی از این اقدام ممانعت به عمل آوردند.^{۳۹}

مراسم تشییع جنازه آیت الله آخوند و حوادث این روز در واقع به بهانه‌ای برای مبارزه علیه رژیم و برگزاری مجالس ترحیم در دیگر شهرهای کشور و تشدید مبارزه و تظاهرات تبدیل شد. به عنوان مثال در مراسم چهلمین روز درگذشت این عالم ربانی که در مسجد میرزا داود برگزار گردید مردم مجدداً به تظاهرات و سردادن شعار علیه رژیم پرداختند. همچنین

لازم به یادآوری است که رحلت آیت الله آخوند با رحلت شیخ احمد کافی (واعظ مشهور) و طاهری شیرازی مصادف بود.

ج) مجالس ترحیم آیت الله آخوند در سایر شهرهای ایران

نپاوند:

در شهرستان نپاوند به مناسبت رحلت آیت الله آخوند و شهدای همدان مجالس یاد بود و ترحیمی به وسیله حجت الاسلام حیدری برگزار گردید. واعظ مجلس مذکور کسی نبود جز حجت الاسلام هادی غفاری که بار دیگر با سخنرانی کوبنده خود باعث تظاهرات مردم علیه رژیم و درگیری آنان با مامورین شهرانی نپاوند گردید. حجت الاسلام غفاری راجع به این سخنرانی می‌گوید: «بعد از سخنرانی مسجد جامع همدان به مناسبت رحلت آیت الله آخوند به شهر بهار رفتم و از آنجا با آقای حیدری در نپاوند تماس گرفتم. آقای حیدری گفت: آقای غفاری می‌خواهیم برای شهدای همدان در نپاوند مجلس ختم بگیریم موافقتم را اعلام کرد. از آنجا حرکت کرده و نزدیک غروب به نپاوند رسیدم. منزل آقای حیدری را نمی‌شناختم، از یکی دو نفر سوال کردم تا اینکه یکی نشانی منزل را به من داد. آقای حیدری به من گفت: ما می‌خواهیم اینجا مراسم بزرگی بگیریم. بعد از منبر شمه حرکت‌های خوبی در نپاوند اتفاق خواهد افتاد. گفتم: پس با هم برای منبر رفتن برنامه‌ریزی کنیم. اگر منبر کشته داد، آیا شهر شما تحمل دارد؟ چون ممکن است منبر من به زد و خورد و درگیری بکشد. گفت: مانعی نیست اینجا حرکت‌هایی به حمایت از امام خمینی صورت گرفته و زمینه‌های تمایل مردم به انقلاب قوی است. جمعیتی که به مسجد می‌آمدند نوع آمدنشان هراس انگیز بود. مردم به شکلی می‌آمدند که ناراحتی و عصبانیت به نحوی از چهره آنها هویدا بود. به منبر رفتم و حرف‌هایم را زدم، تکیه حرف‌های من روی بحث ولایت فقیه و حکومت اسلامی بود. هنوز من ختم مجلس را اعلام نکرده بودم که مردم بلند شدند و شعار دادند: «حکومت اسلامی ایجاد باید گردد.» یک قطعه‌نامه هم در آخر سخنرانی خواندم که بند بند آن را مردم با گفتن «صحیح است» تایید کردند.^{۴۰} بدین ترتیب با سخنرانی حجت الاسلام هادی غفاری در نپاوند، روند انقلاب در این شهر وارد مرحله جدیدی گردید و برای اولین بار مردم شعار مرگ بر شاه را سردادند و هرچند عده‌ای دستگیر شدند اما جو اختناق در این شهر شکسته شد.

قم:

رحلت آیت الله آخوند همدانی در قم انعکاس گسترده‌ای داشت چنانچه مراجع تقلید علاوه بر شرکت در مراسم تشییع جنازه آیت الله آخوند در همدان، در قم نیز مجالس متعددی به همین مناسبت برگزار کردند. در سوم مرداد ۱۳۵۷ از سوی آیت الله مرعشی نجفی در حسینیه نجفی مجلس یادبودی برگزار گردید. گزارش ساواک قم در این باره چنین است: «روز جاری بازار قم و مغازه‌های خیابانهای اطراف حرم و بازار به مناسبت حوادث مشهد کاملاً تعطیل و اعلامیه‌هایی نیز در این زمینه توزیع شد. در ضمن جلو درب ورودی مدرسه خان به مناسبت فوت آیت الله آخوند ملاعلی همدانی سیاهپوش شده و به همین مناسبت اعلامیه‌ای از طرف آیت الله نجفی مرعشی به مدرسه مذکور الصاق که در آن روز

بسیستم شعبان برای بعد از نماز مغرب و عشاء در حسینیه نجفی اعلام ختم شده است. به این جهت در مدرسه خان عده‌ای طلاب اجتماع نمودند که با مراجعه مامورین پراکنده شدند. احتمال دارد بعد از نماز مغرب و عشاء امروز مجدداً اجتماع تشکیل و احیاناً تظاهراتی انجام گیرد. همچنین حدود سه هزار نفر در نماز مغرب مدرسه خان شرکت کردند و آقای سعید اشراقی سخنرانی نمود و بعد از نماز جماعت همراه آیت الله نجفی به صورت جمعی به حسینیه رفتند.^{۳۳} در روز پنجم مرداد از سوی آیت الله محمد وحید میانجویی به مناسبت درگذشت شیخ احمد کافی و آیت الله آخوند ملاعلی همدانی مجلس ختمی بعد از نماز مغرب و عشاء در مسجد نو برگزار گردید که پس از پایان مراسم مردم با سردادن شعار «درود بر خمینی» از مسجد خارج و با مامورین شهرستانی درگیر شدند در این تظاهرات که یک هزار نفر در آن شرکت داشتند بانک صادرات - شعبه موسوی - به آتش کشیده شد.^{۳۴}

علاوه بر مجالس مذکور از سوی آیت ثلاث در قبه مجلس ختمی به مناسبت درگذشت آیت الله آخوند و شیخ احمد کافی در مسجد اعظم قم در روز هفتم مرداد با حضور چهار هزار نفر تشکیل شد. در این مجلس سید محمد آل طه به سخنرانی پرداخت و اظهار داشت: «بنده از آقایان بسیار ممنون و متشکرم که امروز تمام دکانه‌ها را بسته‌اید و در این مجلس باشکوه شرکت کرده‌اید و به خاطر این مجلس تعطیل عمومی اعلام نمودید. حتی دکان میوه فروشی را که میوه‌اش در این هوای گرم از بین می‌رود بسته‌اید. آفرین بر شما، رفتار شما مشت محکمی است بر دهان رژیم. مردم مسلمان، سوم و پانزدهم شعبان که تولد امام حسن (ع) و امام زمان (عج) بود و همه ساله جشن و چراغانی می‌کردند، امسال جشن نگرفتند و در حال حاضر ملت در عزای عزیزان خود نشستند.

چگونه ممکن است که مردم جشن بگیرند و شادمانی کنند. مگر شادمانی بر روی اجساد فرزندان اسلام، شادمانی در برابر افراد شریفی که در سیاه چاله‌های زندان زیر سخت‌ترین شکنجه‌های جهنمی درخیمان بسر می‌برند و در برابر مادرهایی که هنوز سیاه پوشند ممکن است؟ ما روزی عید می‌گیریم که بنیان ظلم را منهدم کرده باشیم. تمام انبیا سلاح خود را در راه حق و حقیقت بکار می‌برند، برخلاف آن، شما توپ و تانک را خلاف قرآن و اسلام بکار می‌برید. مردم مسلمان که نمی‌توانند این ظلم و ستمکاری شما را ببینند ناچارند در راه دین و قرآن و حقوق بشر قیام کنند و کشته شوند، ولی شما با توپ جوانهای مسلمان را از بین می‌برید. آیا انبیا سلاح‌های خودشان را در اینطور راه‌ها به کار می‌بردند یکسال آمدند حزب ملی تشکیل دادند و سال دوم آمدند حزب مردم و غیره تشکیل دادند و بعد از آن گفتند تمام این حزب‌ها از بین بروند و فقط رستخیز که بدتر از همه حزبهاست تشکیل شود. تا به حال کاری برای ملت انجام

داده‌اند؟ جز جار و جنجال چیز دیگری بوده است؟»^{۳۳} در پایان مراسم مردم با شعار «درود بر خمینی» از مسجد خارج شدند. در این هنگام اعلامیه‌هایی نیز توزیع گردید و مردم به تظاهرات علیه رژیم پهلوی پرداختند. به دنبال مراسم مذکور با پخش اعلامیه‌هایی روز ۲۲ مرداد به مناسبت شهدای یزد، جهرم و همدان عزای عمومی اعلام شد.^{۳۴}

تهران: در تهران نیز به مناسبت رحلت آیت الله ملاعلی همدانی و شیخ احمد کافی مجالس متعددی در مسجد ارک، جامع مهدیه، بنی هاشم، فاضلیه و برگزار گردید. در پایان تمام این مجالس مردم با ریختن به خیابانها شعارهایی علیه رژیم سر داده و با مامورین شهرستانی درگیر شدند. در پی این ماجرا مامورین انتظامی کلانتریهای مراکز ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۳، ۱۴، ۱۵، ۱۶، ۱۷ و پلیس گارد بیش از ۱۱۵ نفر از تظاهرکنندگان



آیت الله فاطمه طیلبیگی و همسر

تشیع جنازه مرحوم همدانی را تحرکی برای جوانان در راه آزادی و بر علیه ظلم و بی‌دادگری توصیف و از جوانان طلب به راه انداختن قیام حسینیه (ره) را نمود وی در این مراسم گفت: چندی قبل حضرت آیت الله خمینی فتوی داده‌اند به مناسبت شهید شدن عده‌ای از هموطنان در راه مبارزه با ظلم و ستم در نیمه شعبان سال جاری جشن و سرور برپا نشود که در کلیه نقاط کشور از این دستور پیروی شده است. لیکن مسئولین مملکتی حقایق را نادیده گرفته و به دروغ مرتبا از رادیو و تلویزیون اعلام نموده‌اند از شرق تا غرب و از شمال تا جنوب جشن و شادمانی برپا گشته است. سخنران سپس در مورد تبعید مرحوم کافی به شهرستان ایلام صحبت نموده ولی در پایان از مستعین تقاضا کرد که پس از خاتمه ختم با کمال نظم و آرامش مجلس را ترک نمایند. حاضرین در حالیکه مرتبا صلوات می‌فرستادند از مسجد خارج و پس از طی مسافتی عده قلیلی از آنها قصد تظاهرات داشتند که به وسیله عوامل

جمعی متفرق و مراسم در ساعت ۱۹:۲۰ خاتمه یافت.^{۳۶} علاوه بر مراسم مذکور مجلس پر التهاب دیگری در مسجد ارک با سخنرانی سید احمد حسینی برگزار گردید. وی در این خصوص می‌گوید: «سه تا مجلس ترحیم برای آقا آخوند در تهران گرفتند یکی حسینیه همدانیها، یکی توسط آیت الله خوانساری و یکی از علمای بازار تهران در مسجد جامع و دیگری در مسجد ارک توسط انقلابیون برگزار گردید. مسجد ارک را آقای مطهری، مهدوی، مفتاح، محلاتی و بازارگان امضاء و برگزار نمودند. در حسینیه همدانیها به عنوان همشهریه‌های آن مرحوم آقای احمد رحمانی منبر رفت که او را دستگیر کردند. در مجلس آقایان علما در مسجد جامع، بنده و آقای امامی کاشانی برای سخنرانی دعوت شدیم آنجا من

منبر رفتم. مجلس ارک هم که بعد از ظهر بود دوباره من را دعوت کردند. به عنوان اینکه شاگرد آقای آخوند بودم، با ایشان ارتباط داشتم بنده منبر رفتم به محض اینکه پای خود را از پله منبر پایین گذاشتم، بزن بزن و تیراندازی شد ما به منزل آمدیم. آقای مفتاح به من زنگ زد از دانشکده الهیات و گفت امروز بعد از ظهر برای آقای آخوند منبر گرفته‌ایم. امضاء کنندگان هم علمای انقلابی هستند این مجلس برای انقلابیون است. شما هم باید منبر بروید. گفتیم می‌گیرند صبح یکجا منبر رفتیم. گفتند نمی‌شود شما باید منبر بروید، شما را انتخاب کرده‌اند و نود و نه درصد هم زندان در آن است. مرحوم مفتاح گفت شما باید اطلاعیه آقا [امام خمینی] را در منبر بخوانی. اطلاعیه ده ماده‌ای امام راجع به آزادی زندانیان سیاسی بود. ما منبر رفتیم و در مورد آقای فلسفی که ممنوع المنبر بود، سخنرانی کردم و در بالای منبر اطلاعیه امام را خواندم و پس از آنکه از منبر پایین آمدم آقای فلسفی گفته بیا اینجا

را دستگیر و پس از تحقیقات مقدماتی و تشکیل پرونده آنان را در دسته‌های ۱۵ الی ۲۰ نفری به دادرسی تهران فرستادند.^{۳۵} در برگزاری مجالس ترحیم آیت الله آخوند در تهران همدانیها نقش عمده ای داشتند. در حسینیه همدانیهای مقیم تهران در ۱۳ مرداد مجلس ترحیمی برگزار گردید که در گزارش کلانتری شماره ۵ جهت آگاهی ریاست اطلاعات پلیس تهران راجع به مجلس مذکور چنین آمده است: «مجلس ترحیم آیت الله ملاعلی آخوند همدانی، از ساعت ۱۷ روز سیزدهم مرداد از طرف اهالی بهار همدان [مقیم تهران] به مناسبت درگذشت آیت الله آخوند در مسجد حاج مهدی خزانه برگزار و جمعیت کثیری در حدود پنج هزار نفر در مسجد حضور پیدا نمودند. سپس آقای احمد رحمانی همدانی به منبر رفته ضمن تعریف و تمجید از سجایای اخلاقی و آزادی خواهی مرحوم یاد شده فوق اضافه نمود که از ابتدای بیماری تا آخرین لحظه وداع در محضر درگذشته حاضر بوده است. واعظ مذکور مراسم

نرو الان تو را می‌گیرند. بالاخره منزل آقای فلسفی رفتیم و آخر شب به خانه باز گشتم که توسط ساواک محاصره شده بود و در نتیجه ما به راحتی دستگیر شدیم و به زندان موقت شهرستانی منتقل شدم.^{۳۷}

از دیگر شهرهایی که به مناسبت رحلت آیت الله آخوند مجلس ترحیم برگزار گردید، تبریز بود. البته در ابتدا آیت الله محمد علی قاضی طباطبایی طی اعلامیه‌ای، اعلام داشت که برای حفظ جان مردم و جوانان در برابر مامورین شهرستانی و ساواک، از برگزاری مجلس خودداری می‌شود و رحلت آیت الله آخوند با صدور اعلامیه ذیل تسلیت گفته شد: «(انالله و انا الیه راجعون) واقعه مولمه تاسف آور و اسف انگیز و مصیبت وارده در این روزها بر عالم اسلام یکی رحلت فقیه جلیل حجت الاسلام و المسلمین آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی قدس سره که یکی از فقها عصر حاضر بود و سالیان متمادی در خدمت شرع مقدس به پایان رسانیده و یکی از فرزندان خویش را در چند سال پیش در راه نیل به هدف مقدس قربانی داده که هرگز عالم تشیع آن فاجعه را فراموش نخواهد کرد و دیگری رحلت جانگداز سرباز فداکار حضرت ولی عصر و ناموس دهر بقیه الله فی العالمین ارواحنا فداه واعظ شهیر جناب آقای شیخ احمد کافی طاب ثراه که عالم شیعه یک مبلغ برجسته ای را از دست داده و کشور ایران امروزها ماتم زده می باشد و جامع علمای اعلام و آیات عظام آذربایجان نیز در سوگ و ماتم فرو رفته و بایستی به عزا نشستند و مجلس ترحیمی برپا نماید. ولی نظر به مصالح روز و حفاظت جانهای گرانبهای جوانان عزیز که از هر جهت اهمیتش بیشتر است و نظر به جلوگیری از استفاده بهانه جوانان در این موقع حساس از انعقاد مجلس ترحیم خودداری کرده و بدین وسیله مراتب تسلیت و تعذیب را به پیشگاه اقدس حضرت ولی عصر ارواحنا فداه تقدیم داشته و از درگاه خداوند قادر متعال صلاح و رفاه و اتحاد مسلمین و پیشرفت اسلام و قوانین قرآن را مسالت نموده و به عموم برادران دینی تذکر داده می‌شود که راه نیل به هدف مقدس اجرای قوانین اسلامی در مملکت، جز چنگ زدن به عمل قوانین اسلامی و احیای شاعر دینی نیست. امیدواریم که مردم هرچه زودتر به اهداف عالی اسلام نایل آیند. انشاءالله تعالی.»^{۳۸}

علیرغم اعلامیه فوق راجع به عدم برگزاری مجلس ترحیم، طبق گزارش و نوشته روزنامه کیهان در روز دوشنبه ۹ مرداد ۱۳۵۷ از سوی آیت الله قاضی و دیگر علمای تبریز مجلسی در مسجد مقبره به همین مناسبت برگزار می‌شود. روزنامه مذکور در این باره چنین می‌نویسد: «به مناسبت درگذشت آقایان آیت الله آخوند همدانی، طاهری شیرازی و شیخ احمد کافی از ساعت صبح امروز (۹ مرداد) مجلس ختمی در مسجد مقبره تبریز واقع در بازار این شهر که یکی از بزرگترین مساجد تبریز است از سوی آیت الله حاج سید محمد علی قاضی طباطبایی برگزار شده و به همین مناسبت تمام بازار تبریز و خیابانهای اطراف بازار شهر از جمله خیابان فرودسی، توپخانه، تربیت، کوروش

کبیر و دارایی به کلی تعطیل شد. در این مجلس ختم از ساعت اول برگزاری بیش از ۵۰۰ نفر از علمای طراز اول شهر از جمله حضرت آیات عظام قاضی طباطبایی، اشراقی، دینوری و جمعی از روحانیون شرکت داشتند. سخنرانان مذهبی پیرامون شخصیت علمی و مذهبی حضرت آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی و حاج شیخ احمد کافی و آیت الله طاهری شیرازی به تفصیل سخن گفتند. این مجلس تا ساعت ۱۱ ادامه داشت.»^{۳۹}

قزوین:
در قزوین به مناسبت چهلمین روز رحلت آیت الله آخوند و درگذشت شیخ احمد کافی مجلس ترحیمی با حضور گسترده مردم در مسجد شاه این شهر برگزار گردید. پس از خاتمه مجلس مذکور نماز جماعت برگزار شد و جمعیت در حالیکه پلاکاردهایی به طرفداری از روحانیون مبارز حمل می‌کردند به صورت آرام به راهپیمایی پرداخته و به صحن حضرت امام زاده حسین وارد شدند. جمعیت در صحن مذکور به دادن شعارهایی علیه رژیم مبادرت کرده و به تدریج این جمعیت پنج هزار نفره از حرم خارج و در گروههای کوچکتر به راهپیمایی خیابانی پرداختند. جمعیت خشمگین در برابر کلانتری‌ها ضمن تظاهرات به پرتاب سنگ و بطریهای حاوی مواد آتش زا به طرف مامورین مبادرت کردند. در نتیجه تیراندازی مامورین، یک نفر شهید و سه نفر مجروح شدند.^{۴۰}

کاشان:
به مناسبت رحلت آیت الله آخوند ملاعلی همدانی از سوی آیت الله مدنی^{۴۱} مجلس یادبودی در صبح روز چهارم مرداد ۱۳۵۷ در مسجد میانچال کاشان برگزار گردید. پس از پایان مجلس جمعیت با دادن شعارهایی علیه رژیم از مسجد خارج و با مامورین انتظامی درگیر شدند. پلیس نیز با باتوم و گاز اشک آور به مقابله با تظاهرکنندگان پرداخت. در این تظاهرات بیست نفر از مردم زخمی و گروهی نیز دستگیر شدند.

علاوه بر شهرهای مذکور، در شیراز نیز آیت الله طاهری در خطبه نماز جمعه دوازدهم مرداد ماه ۱۳۵۷ راجع به تظاهرات مردم همدان در روز تشییع جنازه آیت الله آخوند سخنرانی و مردم را از جریان وقایع آگاه نمود.^{۴۲} بدین ترتیب با رحلت آیت الله آخوند نخستین خیزشهای آشکار مردم علیه رژیم پهلوی نمایان تر شد. رحلت ایشان جو اختناق و وحشت را از جامعه زدود و پیوند استواری بین اقشار مختلف مردم ایران پدید آورد. برای اولین بار افراد مختلفی از شهرهای ایران در یک تظاهرات متحد علیه رژیم به همراه انقلابیون شرکت کردند. از سوی دیگر برگزاری مجالس عزاداری و ختم از طرف مراجع و انقلابیون به مناسبت درگذشت آخوند ملاعلی همدانی به بهانه‌ای برای بسیج توده‌های مردم، تظاهرات علیه رژیم، قرائت اطلاعیه و پیامهای امام و افشای گری هرچه بیشتر در مورد اعمال ضد انسانی حکومت پهلوی تبدیل گردید.

پی نوشت ها

۱- عباس مهاجرانی‌خیر و برکتی که از دست رفته روزنامه کیهان، شماره ۷، ۱۰۵۲۶، مرداد ۱۳۵۷، ص ۲۵

- ۲- غلام حسین قراگزلو، هگمتانه تا همدان، تهران، ۱۳۳۳، ص ۱۷۶
- ۳- پرویز ادکایی، مرحوم آیت الله العظمی آخوند ملاعلی همدانی، روزنامه محراب، شماره ۹۳، مرداد ۱۳۷۰، ص ۹
- ۴- غلام حسین قراگزلو، همان، ص ۱۷۶
- ۵- عبدالرحیم عقیقی بخشایشی، تبادل پیام، فصلنامه تاریخ معاصر، شماره ۱-۲، بهار و تابستان ۱۳۷۴، ص ۱۱۸
- ۶- احمد رحمانی، صلویست حدیثه تهران، مکتب الحدیثه ۱۳۷۱، ص ۶
- ۷- قیام ۱۵ خرداد به روایت اسناد ساواک، جلد دوم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی، ۱۳۸۱، ص ۲۲۵
- ۸- پرویز ادکایی، همان، ص ۹
- ۹- مهدی درخشان، بزرگان و سخن سرایان همدان، جلد دوم، تهران، اطلاعات، ۱۳۴۲، ص ۴۲۲
- ۱۰- پرویز ادکایی، همان، ص ۹
- ۱۱- مرکز اسناد ریاست جمهوری، بایگانی اسناد نخست وزیری، پرونده ۵۰۹۲۵
- ۱۲- اسناد انقلاب اسلامی، جلد سوم، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۴، ص ۳۸
- ۱۳- علی باقری، خاطرات ۱۵ خرداد تبریز، دفتر دوم، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵، ص ۱۰۱
- ۱۴- همان، ص ۱۰۳
- ۱۵- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، کد ۱۱۶/۱۲۰
- ۱۶- مصاحبه با حجت الاسلام سید فاضل حسینی ورکانه
- ۱۷- ابوالفتح مومن، دستگیری امام خمینی (ره) و مهاجرت علما به تهران در سال ۱۳۴۲ (در آن هوای گرگ و میش)، ماهنامه زمانه شماره ۹ خرداد ۱۳۸۲، صص ۲۶-۳۲
- ۱۸- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، کد ۱۲۱۷۶، شماره بازبانی ۲۲۶
- ۱۹- ابوالفتح مومن، قرآن پهلوی، ماهنامه زمانه، شماره ۵ و ۶ بهمن و اسفند ۱۳۸۱، صص ۲۸-۳۳
- ۲۰- انقلاب اسلامی به روایت اسناد ساواک، جلد هفتم، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی وزارت اطلاعات، ۱۳۸۱، ص ۱۶۲
- ۲۱- مصاحبه با غلامعلی سمولاتی (مورخه ۲۹/۴/۲۷ تهران)
- ۲۲- مصاحبه با حاج محمود دادفر (ما ۷۸/۸/۶ همدان)
- ۲۳- هادی غفاری، خاطرات حجت الاسلام والمسلمین غفاری، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۴، صص ۲۳۹-۲۴۲
- ۲۴- روزنامه اطلاعات، شماره ۱۵۶۷۱، ۴ مرداد ۱۳۵۷، ص ۴
- ۲۵- روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۲۸، تیرماه ۱۳۵۷، ص ۴
- ۲۶- بوئنن خبرگزاری پارس، شماره ۱۳۰، ۶ تیر ۱۳۵۷، ص ۷
- ۲۷- بوئنن رادیو تلویزیون ملی ایران، شماره ۱۱، ۱۱ تیر ۱۳۵۷، ص ۱۹
- ۲۸- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی، کد ۱۲۸
- ۲۹- همان
- ۳۰- هادی غفاری، همان، ص ۲۴۲-۲۵۴
- ۳۱- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده روحانیون مبارز، کد ۱۲۱۷۶/۴۳۶، سند ۸۴
- ۳۲- همان، سند ۸۹
- ۳۳- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده روحانیون مبارز، کد ۱۲۱۷۶/۴۳۶، سند ۹۴
- ۳۴- همان، سند ۱۳۹
- ۳۵- روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۲۸، ۹ مرداد ماه ۱۳۵۷، ص ۲
- ۳۶- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده آیت الله آخوند ملاعلی معصومی همدانی، کد ۱۲۸
- ۳۷- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، خاطرات سید احمد حسینی همدانی
- ۳۸- اصل نامه و اعلامیه در مجموعه اسناد و اعلامیه‌های آیت الله قاضی طباطبایی در منزل ایشان در تبریز موجود است.
- ۳۹- روزنامه کیهان، شماره ۱۰۵۲۸، ۹ مرداد ۱۳۵۷، ص ۲
- ۴۰- مرکز اسناد انقلاب اسلامی، آرشیو، پرونده روحانیون مبارز، کد ۱۲۰۰۰/۱۲۷، شماره بازبانی ۸۴، سند ۳۲۷
- ۴۱- یا شهید آیت الله سید اسد الله مدنی اشتباه نشود
- ۴۲- روزنامه انقلاب اسلامی، جلد چهارم، تهران، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۸، ص ۲۰۸